



عناصر تشکیل دهنده بزه صدور چک پرداخت نشدنی

به قلم: سید عباس جزایری فارسانی
کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

(قسمت دوم)

این معنی نخواهد بود که این جرم فاقد عنصر معنوی است، بلکه فرض قانونگذار بر وجود آن می باشد. حال آیا اثبات خلاف این فرض یعنی اثبات خلاف وجود سوءنیت امکان پذیر است؟

اصولاً، عنصر روانی چیست وحدت وضعف آن کدام است؟ آیا عنصر روانی علم است یا اینکه علم، جزئی از آن است؟ آیا در جرایم مادی صرف عنصر معنوی چنان که عنوان گردیده است متغی می باشد؟ آیا معقول است که قانونگذار علی رغم لحاظ سوءنیت در تحقق جرم و تکلیف قاضی به احراز آن مدتی را تعیین نماید که متهم فقدان سوءنیت خود را ثابت نماید؟ وجود سوءنیت در چه زمان ملاک است؟

در هر حال، اگر بیان تئوری حدت و ضعف عنصر معنوی، بتواند ما را از توجیه عنصر روانی این جرم در قالب جرایم مادی صرف مستغنی نماید، امری است مطلوب،

مسئله است صدور چک
و صدور چک، مشروط به
عنوان شخصیت یا تأمین
اعتبار یا سفید امضاء به
موجب ماده ۱۳ قانون
چک از ۶ ماه تا ۲ سال
حبس و یا از یک صد هزار تا
ده میلیون ریال جزای
تقدیری است.

نشدنی از «جرایم مادی صرف» است. این معنی که تحقق عنصر مادی، ظهور در وجود سوء نیت مرتکب دارد و عنصر معنوی در این جرایم مفروض است. البته بیان این مطلب به

گفتار چهارم - رکن معنوی

جرم، عملی است ممنوعه و لذا خلاف اصل. کلیه اعمال مباح و مجازند مگر آنچه استثنا شده است. در قوانین اعمالی که جرم محسوبند انحصاراً و تک تک احصا شده است. جرم عملی است عمدی و مقنن اعمالی را جرم می شناسد که مرتکب عامد در انجام آن بوده است و با تفکر مجرمانه نظم عمومی را برهم می زند. استثنائاً در برخی موارد مقنن عمل غیر عمدی را نیز جرم شناخته است. چنان که سلب حیات چه عمدی و چه غیر عمدی جرم محسوب است. بنابراین گفته می شود، اصولاً جرایم عمدی هستند و غیر عمد آن، نیازمند تصریح قانونگذار است.^(۱) در مورد چک چنین تصریحی به عمل نیامده است، و علم و سوءنیت عام در نوشتن و اصدار چک مقارن با صدور آن یا در عمل مؤخر بر صدور چک لازم می نماید. اما همچنان که می دانیم، بزه چک پرداخت

زیرا اصل در جرایم، لزوم احراز عنصر روانی و سوء نیت متهم آنهاست، و جرائم مادی صرف استثنایی بر قاعده می‌باشند.

گفتار پنجم - مجازات

قاعده حقوقی، ضرورتاً واجد ضمانت اجراء است. جرم نیز در یک تعبیر به عنوان، عملی که قبایل مجازات است تعریف شده است. برای اینکه عملی جرم محسوب

دارد باید چنانکه می‌توانست
مسئولیت صادر کننده را
نسبت به پرداخت کلیه
خسارات و هزینه‌های وارد
شده که مستقیماً و به طور
متعارف در جهت وصول طلب
شود از ناحیه وی محتمل شده
است. اهم از اینکه قبل از
صدور حکم یا پس از آن باشد
از دادگاه تقاضا نماید.

شود، صرف ممنوعیت آن کفایت نمی‌کند و وجود ضمانت اجرا نیز لازم است. شناخت و تحلیل علل و عوامل ارتکاب بزه، از اهم وظایف قانونگذار جزایی است. در پرتو چنین شناخت صحیحی است که قانونگذار به موقع می‌تواند متناسب با نیازهای جامعه، لیستی کامل از اعمال ضد اجتماعی ارائه و مجازاتی درخور و شایسته وضع نماید. دوام و بقاء جامعه موکول بدان است که بین عمل ضد اجتماعی و مجازات تناسب وجود داشته باشد. قانونگذار آگاه در بین موارد ارتکاب جرم، مواردی که امکان جرم سهل‌تر است را مورد تشدید مجازات قرار می‌دهد و کسانی را که آسانتر می‌توانند مرتکب جرم شوند در معرض مجازات شدیدتری قرار می‌دهد و سهولت ارتکاب جرم از طریق شدت

مجازات جبران می‌گردد.^(۳)

علی‌رغم سهولت کلاهبرداری به وسیله چک که در مقایسه با دیگر مصادیق کلاهبرداری به مراتب از سهولت بیشتری برخوردار است متأسفانه قانونگذار نه تنها مجازات را تشدید ننموده است بلکه آنرا از جمله جرایم قابل گذشت تلقی نموده است که توجیه معقولی ندارد. در جرایمی که داعی و انگیزه کسب منفعت و سود جویی می‌باشد مناسب آن است که مرتکب به مجازات مالی تهدید شود و برای مرتکب این جرایم جزای نقدی پیش بینی شود که در مقایسه با زندان از کارایی بیشتری برخوردار بوده و معایب زندان را نیز ندارد و می‌تواند به عنوان جانشینی مطمئن برای مجازات زندان عمل کند. به حکایت تاریخچه بزه مورد بحث و سیر تحول آن در ایران، مجازات عمده این جرم همواره حبس بوده است.

در حال حاضر مجازات این جرم حبس و جزای نقدی است که حسب مورد ممنوعیت‌های بانکی رانیز به دنبال دارد. عده‌ای را عقیده بر این است که حبس مجازات اصلی و جزای نقدی، مجازات تکمیلی است. عده دیگر هر دو را مجازات اصلی می‌دانند.

قانونگذار در مورد صدور چک از حساب مسدود موضوع ماده ۱۵ قانون چک مجازات را تشدید نموده و علاوه بر تعیین حداکثر مجازات آن را غیر قابل تعلیق دانسته است. عنوان اخیر که از عوامل مشدده قانونی محسوب می‌شود، تاکنون در مورد چک موضوعیت نداشته است. زیرا چک پرداخت نشدنی و به تبع آن مجازات این جرم دارای جنبه خصوصی غالبی هستند. بدین جهت هرگاه قبل از صدور حکم شاکی گذشت نماید و یا این که متهم وجه چک را بپردازد و یا در صندوق دادگستری تودیع نماید، مرجع رسیدگی کننده مکلف به صدور قرار موقوفی تعقیب می‌باشد.

اما منظور از غیر قابل تعلیق بودن مجازات چیست؟ برخی با توجه به خصوصیت صدور چک از حساب مسدود و شباهت آن با

کلاهبرداری در تفسیری موسع از غیر قابل تعلیق بودن مذکور در ماده ۱۵ فوق‌الذکر آن را به معنی غیر قابل گذشت بودن تعبیر نموده و از آن به عنوان «تأسیس تازه در قانون چک» نام برده‌اند.^(۳)

چنین برداشتی، هر چند مطابق منافع عالی جامعه بوده و از هر جهت به صلاح متضررین از چکهای صادره از حساب مسدود می‌باشد

علی‌رغم سهولت کلاهبرداری
به وسیله چک که در مقایسه با
دیگر مصادیق کلاهبرداری به
مراتب از سهولت بیشتری
برخوردار است، متأسفانه
قانونگذار نه تنها مجازات را
تشدید ننموده است بلکه آنرا
از جمله جرایم قابل گذشت
تلقی نموده است که توجیه
معقولی ندارد.

و به عقیده نگارنده نیز، غیر قابل گذشت تلقی شدن این جرم می‌تواند یکی از راههای اعاده اعتبار چک باشد. لکن نباید فراموش نمود که چنین برداشتی از این کلمه دور از عرف حقوقی است. مضافاً بر اینکه این کلمه نیز تاب چنین برداشتی را ندارد. تعلیق اجرای مجازات یکی از تأسیسهای قدیمی در حقوق جزا می‌باشد که تعریف و ویژگی‌های خاص خود را دارد همچنان که سلب قابلیت تعلیق از یک جرم از عوامل تشدید مجازات آن جرم است.

مجازات صدور چک وعده‌دار، مشروط، به عنوان تضمین با تأمین اعتبار یا سفید امضا به موجب ماده ۱۳ قانون چک از ۶ ماه تا ۲ سال حبس و یا از یک صد هزار تا ده میلیون ریال جزای نقدی است.

به علاوه به موجب سق اخیر ماده ۱۲ قانون چک اصلاحی ۱۳۷۲ میزان کسر موجودی در میزان مجازات مؤثر است. به هنگام گذشت شاکی بعد از صدور حکم قطعی اجرای حکم زمانی موقوف خواهد شد که محکوم علیه مبلغی معادل $\frac{1}{3}$ جزای نقدی مقرر در حکم محکومیت را به دستور دادستان به نفع دولت به صندوق دادگستری بپردازد که بر حسب مورد ممکن است $\frac{1}{3}$ از $\frac{1}{3}$ وجه چک یا $\frac{1}{3}$ از $\frac{1}{3}$ کسر موجودی به هنگام ارائه چک به بانک $\frac{1}{3}$ تمام وجه چک یا $\frac{1}{3}$ کسر موجودی باشد. چنین حکمی در ماده ۷ این قانون نیز مذکور است. لازم به ذکر است که در صورت تعدد صادر کنندگان جزای نقدی مزبور بین شرکا تسهیم نمی شود. با توجه به ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که در جرایم تعزیری مجازات شریک جرم را مجازات فاعل مستقل دانسته است، دادگاه ملزم به صدور حکم محکومیت به جزای

هر کس به موجب حکم محکمه به مجازات تعزیری یا بازدارنده محکوم گردد، در صورتی که بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم مشابه تعزیری یا بازدارنده گردد دادگاه نمی تواند در صورت لزوم مجازات را تشدید نماید.

نقدی و حبس معادل مجازات فاعل مستقل می باشد. بنابراین حکم به پرداخت تضامنی جزای نقدی موضوع مواد ۱۲ و ۷ قانون چک وجهه قانونی ندارد^(۲) به موجب لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون چک اصلاحی ۱۳۷۲ مصوب ۷ بهمن ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی دارنده چک می تواند محکومیت صادر کننده را

نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی محتمل شده است، اعم از اینکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارات و هزینه های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند باید درخواست خود را به همان دادگاه صادر کننده حکم تقدیم نماید.

علاوه بر کیفرهای اصلی و تکمیلی، کیفرهای تبعی اثرات ناشی از حکم بوده و به تبع کیفرهای اصلی بر مجرم بار می شوند، بدون این که در حکم دادگاه ذکر شوند. برای نمونه ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ مقرر می دارد: محکومین به سرقت، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، کلاهبرداری جعل و تزویر، صدور چک بلامحل، ورشکستگی به تقصیر یا تقلب اعم از اینکه حکم از دادگاه داخلی یا خارجی صادر شده و اعم از این که محکوم مجرم اصلی، شریک یا معاون جرم باشند از تصدی اداره امور بانکها به هر عنوان ممنوع می باشند.

در مورد تشدید مجازات این جرم به جهت تعدد و تکرر ذکر نکات ذیل ضروری است: ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی در باب تعدد جرم تصریح دارد که در مورد تعدد جرایم غیر مختلف (از نوع واحد) منحصراً یک مجازات مورد حکم قرار می گیرد و در این مورد تعدد جرم می تواند از علل تشدید کیفر باشد.

ماده ۴۸ قانون فوق الذکر نیز در باب تکرار جرم اشعار می دارد که هر کس به موجب حکم محکمه به مجازات تعزیری یا بازدارنده محکوم گردد، در صورتی که بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر یا بازدارنده گردد دادگاه می تواند در صورت لزوم مجازات را تشدید نماید.

به لحاظ شیوع صدور چک پرداخت نشدنی متعدد بعضی محاکم دادگستری با استناد به جواز قانونی فوق، اقدام به تشدید مجازات صادر کنندگان چنین چکهایی به

میزان زاید بر حداکثر قانونی (۲ سال حبس) می نمایند. در این رابطه باید اذعان نمود که هر چند تشدید مجازات به جهت تعدد و تکرار (عوامل عمومی تشدید کیفر) امری

مجازات قانونی جرم صدور چک پس پرداخت نشدنی علی الظاهر تناسبی با عمل مرتکب مخصوصاً در موردی که شخص چندین فقره از این چکها را صادر نموده است، ندارد بر عهده مقنن است که میزان مجازات و به میزان تشدید آن را افزایش دهد.

معقول و مقبول می باشد. ولیکن حکم به چنین امری به استناد ماده فوق چندان صحیح به نظر نمی رسد. چرا که ماده مزبور بدون تعیین میزان تشدید، اختیار در تشدید و میزان آن را به قضاوت محاکم واگذار نموده است. علی رغم ضرورت عملی تشدید مجازات چنین صادر کنندگانی، به جهت مغایرت فقره قانونی فوق با اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها موضوع اصل ۳۶ قانون اساسی علاوه بر آنکه برخلاف حقوق و آزادی های فردی است، بسی مہری و بسی توجہی به مسہم ترین و عالی ترین قانون مملکتی محسوب است. به علاوه بخشنامه شورای عالی قضایی سابق نیز که ارشاداً میزان تشدید فوق را تحدید و آن را یک برابر و نیم حداکثر مجازات قانونی دانسته است. به لحاظ اینکه این شورا تقنینی نبوده است، نمی توانسته چنین اظهار نظر نماید. مضاف بر این که محاکم نیز تکلیفی در رعایت این بخشنامه نداشته و ندارند. فلذا نمی تواند راهگشا باشد. دیگر اینکه محاکم در موارد تعدد بزه چک پرداخت نشدنی، بعضاً برخلاف صریح موازین و مقررات قانونی که کلاهبرداری به

وسیله چک را منحصرأ تابع قانون چک دانسته است، اقدام به محاکمه و مجازات چنین صادر کنندگانی در قالب مواد مربوط به کلاهبرداری می پردازند که این امر نیز به لحاظ محظور فوق غیر قانونی است. زیرا اگر مجازات قانونی جرم صدور چک پرداخت نشدنی علی الظاهر تناسبی با عمل مرتکب مخصوصاً در موردی که شخص چندین فقره از این چکها را صادر نموده است، ندارد بر عهده مقنن است که میزان مجازات و یا میزان تشدید آن را افزایش دهد و قاضی جز در محدوده اقل و اکثر اختیاری در تعیین مجازات زاید بر میزان قانونی را ندارد. در هر حال بیان این مطلب نادیده انگاشتن حقایق موجود در جامعه نبوده بلکه رعایت سلسله مراتب بین قوانین و رعایت حرمت قانون اساسی به عنوان بالاترین و اساسی ترین قانون چنین اقتضا می نماید. مخصوصاً اینکه واضع دو قانون نیز در یک مرتبه و مقام نبوده اند. بنابراین توسل به کلاهبرداری برای مجازات مرتکبین جرم چک پرداخت نشدنی علاوه بر اینکه غیر قانونی است، راه حل صحیح مبارزه با این جرم نمی باشد. در هر حال نظر صائب، عدم اعمال تشدید در موارد تعدد و تکرار و عدم توسل به مقررات کلاهبرداری در این رابطه است و به لحاظ اینکه قضاوت محاکم منعی در استناد به اصول عالی قانون اساسی ندارند قانونی نیز می باشد. (۵)

دو دیگر این که هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در رای شماره ۶۰۸ مورخ ۷۵/۹/۲۷ در مقام ایجاد وحدت رویه نظرهایی عنوان نموده است که قابل توجه است.

نظر به اینکه صدور چک بلامحل، وعده دارد، تضمینی و غیره موضوع مواد ۳ و ۷ و ۱۰ و ۱۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ اصلاحی ۱۳۷۲، در صورتی که از جانب یک نفر انجام شده باشد از نوع جرایم مختلف نبوده بلکه جرایم مشابهی هستند که در کلیه آنها با گذشت شاکی خصوصی و یا پرداخت وجه چک، تسعیب مشتکی عنه موقوف می شود، لذا تعیین مجازات برای متهم با

عنایت به اینکه مواد ۳۱ و ۳۲ قانون مجازات عمومی سابق منسوخه می باشد بایستی بر طبق قسمت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی به عمل آید و در نتیجه تعیین مجازاتهای جداگانه برای هریک از جرایم فوق خلاف منظور

در جرایمی که ذاتی و انکسبیه کسب مستقیم و سودجویی می باشد مناسب آن است که مرتکب، به مجازات عالی تهدید شود و برای مرتکب این جرایم جزای نقدی پیش بینی شود که در مقایسه با زندان از کارایی بیشتری برخوردار بوده و عذاب زندان را نیز ندارد و می تواند به عنوان حساسیتی معظمین برای مجازات زندان عمل کند.

مقنن است و همچنین تعیین مجازات برای متهم به بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون بدون اینکه نص صریح در این خصوص وجود داشته باشد فاقد وجهت قانونی است ...

در مورد رای فوق ذکر نکات زیر لازم به نظر می رسد:

نخست - این که وفق صریح رأی وحدت رویه فوق که بنابر وظایف قانونی دیوان عالی کشور در مقام تغییر قانون و ایجاد رویه واحد در محاکم اتخاذ شده است و قوت و قدرت قانونی دارد، انواع و اقسام جرایم مربوط به چک موضوع مواد ۳ و ۷ و ۱۰ و ۳ در فرضی که از سوی یک نفر ارتکاب شده باشد را از یک نوع دانسته و آنها را جرایم مشابهی تلقی نموده و دلیل آن را قابل گذشت بودن این

جرایم در تمام مصادیق آن عنوان کرده است. نظر دیوان که در مقام احراز نظر مقنن عنوان گردیده است یقیناً با لحاظ مصالح و شرایط جامعه مورد توجه بوده است مع هذا به نظر می رسد که بیشتر در آن مصالح و شرایط جامعه مورد توجه بوده است تا احراز نظر مقنن، چرا که اولاً جرایم مذکور در قانون چک مانند صدور چک مخدوش، بلامحل، صدور چک از حساب مسدود، چک وعده دار و سایر اقسام آن هر کدام و حداقل هر دسته از آن در یک ماده خاص مورد حکم قرار گرفته اند و موضوعاً هریک جرم علی حدای را تشکیل می دهند که عناصر متشکله آنها متفاوت است و مثلاً جرم صدور چک از حساب مسدود حداقل کیفیت مشدده غیر قابل تعلیق بودن را دارد که مایه تمایز آن با دیگر اقسام چک کیفری است. ثانیاً در قانون چک عنوانی که جامع همه اقسام مزبور باشد مثلاً «چک کیفری» یا «چک پرداخت نشده» دیده نمی شود که همگی نشان از آن دارد که مقنن در قانون چک چند جرم و چند عنوان مجرمانه را پیش بینی نموده است و صرف اینکه تمامی آنها قابل گذشت می باشند، نمی تواند دلیل بر واحد بودن عنوان مجرمانه آنها باشد و ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی نیز که در مقام بیان حکم تعدد در جرایم غیر مختلف می باشد نظر به جرایم با عنوان مجرمانه واحد دارد که در مانحن فیه چنین عنوانی وجود ندارد.

در هر حال احراز نظر مقنن و تفسیر قانون در موارد مختلف فیه و صدور رأی وحدت رویه قانوناً با دیوان عالی کشور است و نظر دیوان حکم قانون زاداشته و در موارد مشابه لازم الاتباع است.

دوم - اینکه کلمات و اصطلاحات حقوقی هرکدام معنی و بار خاص خود را دارند و به کاربردن نابجای آنها به ویژه توسط کسانی که در مصادر امور قضایی یا قانونگذاری قرار دارند، ناپسند و غیر قابل توجیه است. در قسمتهایی از رأی مذکور از «تعیین مجازات برای متهم» سخن رفته است که به نظر

می‌رسد کلمه «متهم» از روی مسامحه به کار رفته است.

چراکه اگر جرم اثبات شده است و در مقام تعیین مجازات هستیم دیگر اطلاق کلمه «متهم» بر مرتکب صحیح نیست. برای «مجرم» تعیین مجازات می‌شود نه «متهم».

سوم- این که در قسمت دیگری از رأی فوق به منسوخه بودن مواد ۳۱ و ۳۲ قانون مجازات عمومی سابق و قابلیت اجرا داشتن مواد قانون مجازات اسلامی در باب تعدد و تکرار جرم اشاره شده است که به لحاظ بدیهی بودن امر، زاید به نظر می‌رسد چرا که هر قانونی پس از تصویب زندگی و حیاتش را آغاز می‌کند و این حیات مستقره ادامه دارد تا جایی که به طور صریح یا ضمنی توسط مقنن

مبنای استدلال را فقدان نص صریح دانسته و قرارهای مستدل و رعایت کامل حقوق

ماده ۲۱ قانون چک اصلاحی ۱۳۷۲ بانک محال علیه را مکلف نموده است پس از صدور کیفرخواست (در حال حاضر دادنامه) کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که پیش از چک بلامحل صادر نموده‌اند را بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز ننماید.

اصحاب دعوی، کوشا باشند. زیرا اصل برائت، محاکمه عادلانه، رعایت حق دفاع، خودداری از بازداشت بدون جهت، بلامتکلیف نگذاشتن «متهم»، جبران خسارت کسی که در اثر اشتباه قاضی محکوم شده، حسن رفتار با «متهم» و رعایت شأن و منزلت قوانین به ویژه قانون اساسی و اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، اصولی است که قبل از آنکه در اعلامیه حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیاید و دیگران بخواهند ما را به رعایت آن توصیه کنند از سفارشات اولیه مکتب اسلام است.^(۳) جرم صدور چک پرداخت نشدنی علاوه بر مجازاتهای فوق ممنوعیت‌هایی را نیز از لحاظ بانکی در پی دارد که آنها را نیز می‌توان تبعی این جرم دانست.

ماده ۲۱ قانون چک اصلاحی (۱۳۷۲) بانک محال علیه را مکلف نموده است پس از صدور کیفرخواست (در حال حاضر دادنامه) کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که پیش از یک بار چک بلامحل صادر نموده‌اند را بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگر باز ننماید. به موجب تبصره ۱ ماده فوق الذکر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف گردیده سوابق مربوط به اشخاصی که مبادرت به صدور چک بلامحل نموده‌اند به صورت مرتب و منظم ضبط و نگهداری نماید و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانکهای کشور قرار دهد. در اجرای این تبصره هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۳/۸/۲۵ به پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی و به استناد تبصره ۲ ماده ۲۱ اصلاحی قانون چک (۱۳۷۲) آئین نامه تعیین ضوابط و مقررات

است قابل ایراد است زیرا با وجود نص صریح ماده ۲۷ که اختیار تشدید و میزان آن را به قضات محاکم تفویض نموده است. دیگر بیان این که چون «نص صریحی در این خصوص وجود ندارد» و لذا «فاقد وجهت قانونی است»، صحیح به نظر نمی‌رسد. زیرا لازم نیست قانونگذار در مورد تک تک جرایم به این اختیار تصریح نماید و ماده ۲۷ موصوف

قانون ۳۰ دیماه ۱۳۹۱ فرایند حذف مجازات چک بدون محل را منسوخ نموده و صفت امرای قلندر را که باعث منتهی و مسالی صادر می‌شود است. اما با حذف مجازات چک بلامحل در صورتی که در وقت صدور چک حساب به مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریالی در پی بسته است.

مطلق بوده همه جرایم را شامل می‌گردد و در این خصوص چک را خصوصیتی نیست.^(۴) نکته:

شایسته است که مصادر امور تقنین، فقهای بزرگوار شورای نگهبان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام و دیگر دست اندرکاران امر قضا در تصویب و تفسیر مواد قانونی دقت و عنایت کافی و وافعی مبذول دارند تا بتوان قوانین جمهوری اسلامی ایران را در دنیای کنونی برآورنده نیازهای فعلی جامعه معرفی کرد. یقیناً در امور کیفری این خلاً محسوس تر است. اما با داشتن پشتوانه غنی فقه اسلامی و اجتهاد مستمر به تناسب حوادث واقعه و مسایل مستحدثه، می‌توان نارسایی‌های موجود را مرتفع نمود. به علاوه از مراجع قضایی و انتظامی، دادرسان و قضات محاکم انتظار می‌رود که بیش از پیش در رعایت آیین دادرسی و صدور احکام

جزئاً و یا کلاً نسخ گردد و در حال حاضر تردیدی در قابلیت اجرای قانون مجازات اسلامی در باب تعدد و تکرار نیست و مواد قانونی بر این امر صراحت تام دارند.

چهارم- آنکه در قسمت اخیر رأی دیوان اظهار نظر شده است که «تعیین مجازات برای «متهم» به بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون بدون این که نص صریحی در این خصوص وجود داشته باشد فاقد وجهت قانونی است».

در مورد اینکه حکم قانونی موضوع مواد ۴۷ و ۴۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص تشدید مجازات صادرکننده چک متعدد و مکرر با اصول مسلم حقوقی و قانون اساسی مغایر است قبلاً مطالبی به طور مبسوط بیان شد و نظر نگارنده در این خصوص عنوان گردید. رأی مذکور نیز تشدید مجازات را به میزانی زاید بر مجازات قانونی نپذیرفته است که در نتیجه مقبول و قابل توجه است. اما اینکه

مربوط به منحرفیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و چگونگی پاسخ استعلام بانکها را تصویب نمود. وفق مفاد این آیین نامه تکالیفی برای بانکها، بانک مرکزی و وزارت دادگستری برای اجرای ماده ۲۱ فوق الذکر پیش بینی شده است.

به موجب ماده ۳ این آیین نامه بانک مرکزی مکلف است با دریافت فهرست

در قانون فرانسه چنانچه صاحب حساب یا وکیل او سه مرتبه ظرف کمتر از یکسال مبادرت به صدور چک بدون محل نمایند و سپس در مهلت مقرر فوق محل چک را تعیین و یا مستلخ آن را به دارنده پرداخت نمایند باید دو برابر جریمه رفیع مسئولیت را بپردازند.

مشخصات اشخاصی که تعقیب آنان با صدور چک بلامحل منتهی به صدور کیفرخواست (بالجرای قانون دادگاههای عمومی و انقلاب دادنامه) شده است، فهرست اسامی و مشخصات اشخاص مشمول ماده ۲۱ قانون چک را تهیه کرده و در پایان هر ماه طی بخشنامه‌ای به بانکهای کشور ابلاغ نماید. بدین منظور در اداره حقوقی بانک مرکزی در قسمت مربوط به چک به طور منظم این سوابق در دو دسته یک فقره‌ای و دو فقره‌ای دسته بندی و تفکیک می‌شود.

مطابق تبصره ماده ۳ این آیین نامه وزارت دادگستری نیز مکلف است ترتیبی اتخاذ نماید تا در اجرای این ماده مراجع قضایی اطلاعات یادشده را بلافاصله پس از صدور دادنامه به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ارسال نمایند. بانکها نیز مکلفند حساب جاری اشخاصی که

اسامی آنان در فهرست اشخاص مشمول ماده ۲۱ درج است، بسته و از افتتاح حساب جاری و دادن دسته چک در مدت قانونی به آنها خودداری نمایند. به علاوه در مواردی که اشخاص مشمول ماده ۲۱ اصلاحی قانون چک از ناحیه مراجع قضایی حکم برائت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب اخذ نمایند به ترتیبی که از شمول ماده ۲۱ خارج شده باشند، مراتب از سوی بانک مرکزی برای حذف نام آنها از فهرست موضوع ماده ۳ این آیین نامه به بانکهای کشور ابلاغ خواهد شد.

قانونگذار فرانسوی برای صدور چک مجازات کلاهبرداری را مقرر نموده بود. وفق مقررات کشور مزبور به موجب قانون ۱۸۶۵، محکمه همچنین می‌توانست صادر کننده را علاوه بر محکومیت به مجازات قانونی از صدور چک به مدت یک تا پنج سال ممنوع نماید. بانکها نیز با جمع شرایطی کلیه اوراق دسته چکهایی را که به صاحب حساب مزبور تسلیم نموده‌اند به مدت یک سال مسترد نموده وی را از صدور چک در این مدت محروم می‌نمودند.

قانونگذار ایرانی نه در ماده ۲۱ قانون چک و نه در آیین نامه آن اشاره ای به استرداد ورقه های دسته چک موجود در دست صاحب حساب نمی‌کند و به نظر می‌رسد از این لحاظ ناقص است. همچنین در فرانسه هرگاه بانکی علی‌رغم تصریح و تأکید قانونگذار یا مراجع صلاحیتدار قانونی مبادرت به صدور چک نماید بانک مزبور مکلف است حتی در فرض انسداد حساب و یا فقدان محل و کسر موجودی وجه چک را تأدیه نماید. در کشور انگلستان همانند حقوق ایران تکلیفی در این زمینه برای بانکها وجود ندارد. به علاوه در فرانسه بانکها در هر مورد که مبلغ چکی کمتر از یکصد فرانک باشد علی‌رغم فقدان و یا کسر موجودی، مکلف به پرداخت آن می‌باشند. از این روست که بانکهای فرانسه در انتخاب مشتریان خود دقت کافی را می‌نمایند. علی‌ای حال، آیا پذیرش چنین راه‌حلهایی در حقوق ما سودمند خواهد بود؟

راه حل اخیر همچنان که در فرانسه نیز مشکلات زیادی را باعث شده است، از آنجا که ابواب جدیدی را جهت سوءاستفاده می‌گشاید راه حل مناسبی نخواهد بود. اما در مورد شیوه نخست (موضوع ماده ۷۳ تصویب نامه قانونی ۱۹۳۵) به نظر می‌رسد وضع تکالیفی از این قبیل بتواند سودمند واقع شود. لازم بذکر است که قانونگذار ایرانی در ماده ۲۱ قانون چک اصلاحی ۱۳۷۲ اشعار می‌دارد که مسئولین شعب هر بانکی که به تکلیف قانونی مذکور در این ماده مبنی بر انسداد حساب اشخاصی که بیش از یک بار چک بلامحل صادر نموده‌اند و تعقیب کیفری آنها منتهی به صدور دادنامه شده است، عمل ننمایند حسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به یکی از مجازاتهای مقرر در ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیئت رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهند شد. حداقل این مجازاتها احضار کتبی بدون درج در پرونده و حداکثر آن انفصال دائم از خدمات

در قانون فرانسه کسی که ممنوع از صدور چک شده باشد اعتراض خود را باید در دادگاه مدنی طرح نماید و دیگر حق صدور چک به مدت ۱۰ سال را نخواهد داشت (ماده ۲-۳-۴-۵). متخلف به ۵ سال حبس و با جزای نقدی ۲/۵۰۰/۰۰۰ فرانک محکوم خواهد شد.

دولتی است که راه حل مزبور با ساختار سیستم بانکی ما همسویی و انطباق بیشتری دارد.

در کشور فرانسه، سفید امضا، وعده‌دار یا

دادرسی و فراخوان مقالات

بدون تاریخ بودن چک تاثیری در مسئولیت کیفری صادر کننده ندارد. هر چند در سیستم حقوقی انگلیس جرمی تحت عنوان چک پرداخت نشدنی به چشم نمی خورد مع الوصف نقشی که تبادل اطلاعات بین بانکها در این کشور در تقلیل صدور چکهای بلامحل ایفا می کند مثال زدنی است. در این کشور به دلیل سیستم خاص بانکی کسی که چک بلامحل صادر می نماید علاوه بر بانک محال علیه دیگر بانکها نیز از افتتاح حساب برای چنین فردی خودداری می ورزند.

قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۹۱ فرانسه حذف مجازات چک بدون محل را قبول نموده و ضمانت اجرای نقدی را که ماهیت مدنی و مالی دارد، پذیرفته است. اما با حذف کامل مجازات چک بلامحل موافق نبوده و در مواردی حبس به مدت ۵ سال و یا جریمه به مبلغ ۲/۵۰۰/۰۰۰ فرانک را پیش بینی کرده است.

در حال حاضر وظایف و مسئولیت های بانک در فرانسه از اهمیت شایانی برخوردار است و بانکها خود را ناظر بی طرف و غیرمسئول تلقی نکرده و با این ترتیب نقش مهمی را در جلوگیری از افزایش صدور چک بلامحل ایفا می کنند. زیرا بانک به محض اینکه چکی را به علت نداشتن محل برگشت داد باید مراتب را به دارنده حساب اعلام نماید تا وی سریعاً دسته چک خود را به بانک مسترد داشته از صدور چک مجدد خودداری نماید. متعاقباً بانک واقعه مزبور را به نماینده صاحب حساب و مشتریان وی و بانک مرکزی فرانسه اعلام می دارد. صاحب حساب در صورتی که مبلغ چک را به دارنده پرداخت کرده یا محل آن را نزد بانک تأمین و جریمه رفع ممنوعیت بانکی را به قرار ۱۲۰ فرانک برای هر هزار فرانک به حساب خزانه کل (تصویب نامه ۲۲ مه ۱۹۹۲) پرداخت نماید، می تواند اجازه صدور چک را مجدداً کسب نماید. چنانچه صاحب حساب ظرف یک ماه از تاریخ ممنوعیت بانکی نسبت به پرداخت مبلغ چک و یا تأمین محل آن اقدام کرده و در ظرف

یکسال نیز چک برگشتی نداشته باشد (ماده ۱-۳-۶۵)، جریمه های مذکور را پرداخت نمی نماید. به موجب ماده ۲-۳-۶۵ چنانچه صاحب حساب یا وکیل او سه مرتبه ظرف محل نمایند و سپس در مهلت مقرر فوق محل چک را تأمین و یا مبلغ آن را به دارنده پرداخت نمایند باید دو برابر جریمه رفع ممنوعیت را بپردازند. کسی که ممنوع از صدور چک شده باشد اعتراض خود را باید در دادگاه مدنی طرح نماید و دیگر حق صدور چک به مدت ۱۰ سال را نخواهد داشت (ماده ۲-۴-۶۳) متخلف به ۵ سال حبس و یا جزای نقدی ۲/۵۰۰/۰۰۰ فرانک محکوم خواهد شد. (۸)

منابع:

- ۱- بیج بین المللی کالا برلین ۱۹۶۰-۲. بیج بین المللی کالا - مجموعه مقالات به وسیله ایوگو یونو. ۳- درسهای حقوق مدنی جلد سوم - هاری لئون و ژان مازو. ۴- حقوق مدنی - دوره عقود معین - جلد اول، جناب استاد آقای دکتر کاتوزیان. ۵- قواعد عمومی قراردادها، جلد پنجم، جناب استاد آقای دکتر کاتوزیان. ۶- تقریرات جناب استاد آقای دکتر صفایی. ۷- مجله حقوقی شماره ۱۵۱۴ ژانویه برلین.
- ۱- Protest
- ۲- محمد باغری، جزوه درس حقوق تجار عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، ص ۵۵.
- ۳- نعمت احمدی، بررسی قانون چک به روزنامه سلام، ۲۳ آذر، ۸ دی و ۲۵ بهمن، ۱۳۷۲، ص ۹.
- ۴- نظریه شماره ۷/۲۷۵۳. ۷/۶۸/۶۸ اداره حقوقی دادگستری، روزنامه رسمی شماره ۵۷۴.
- ۵- قانون بودن قانون، موظف بدان است که اولاً- تشریفات مذکور در قانون اساسی رعایت شده باشد و ثانیاً- تمارضی بین این قانون و قانون مادر نباشد. در صورت فقدان هر یک از ارکان مزبور مقرر موجود خصوصیات و وجهه خاص قانون را فاقد خواهد بود. (علی آزمایش، مسأله مقایرات قانون با قانون برتر در حقوق ایران، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۱۰، ۱۳۵۱، ص ۵).
- ۶- سید عباس جزایری فارسانی، تمرین عملی دعوی، روزنامه اطلاعات، ۱۶ اسفند ۱۳۷۵، ص ۱۱.
- ۷- حسین مهر پور، حقوق بشر در اسناد بین المللی، انتشارات، اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۲۹. ۸- محمود عرفانی حذف مجازات چک بدون محل روزنامه اطلاعات ۷۵/۱۲/۱۶ ص ۱۱.

ماهنامه درسی دسه تملین سلاقمندان به همگونی را مسوولانه می فشارد و در مسر قلمانی فرهنگن خود برای ارتقا، طرح آگاهی های عمومی جامعه نسبت به مسائل حقوقی و فرهنگی اجتماعی است به یاری تملین پژوهشگران و صاحب نظران خصوصاً استادان حقوقی حوزه و دانشگاه، قلمنانه و کلا و تملین دلتنی پژوهان گرمی دارد. لذا خواهشمند است در ارسال مطالب خود نوع لز مقاله، ترجمه، گزارش و غیره به موارد زیر توجه فرمائید.

- ۱- مطالب حولاً و حتی الامکان تالیف شده و یکپاره رو باشد.
- ۲- منابع مقالات را به صورت زیر نوشته یا زیر نویس درج نماید.
- ۳- در صورت ترجمه بودن مقاله، نسخه اصلی نیز فرستاده شود.
- ۴- جداول، منحنی ها، نمودارها و اشکال را در صفحات جداگانه تهیه کرده و ارسال نمایند.
- ۵- در صورت ارسال گزارش یا خبر، منبع آن نیز متماً ذکر شود.
- ۶- تیغ، نشانی و سمت نویسندگان یا نویسندگان درج شده، تلفن تماس نیز باید گردد.
- ۷- ماهنامه دلتنیس پس از تالیف هیات تملین، تقدیمی به چاپ مقاله نموده و در ویرایش مجدد و اصلاح مقالات مجاز می باشد.